

همیشه

حافظ
وصل تو اوج را از سرم دور همی داشت
از دولت هجر تو کثون دور نماندست

صفحه ۴ از ۴

همشهری: www.hamshahronline.ir
سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (ع.ج) کوچه شهید سید کمال قرینی، شماره ۱۴
کد پستی: ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ تهران، صندوق پستی: ۱۹۳۹۵۵۴۴۴
تلفن: ۰۲۲-۲۳۰۰۰۰۰۰، ۲۳۰۰۰۰۰۰، ۲۳۰۰۰۰۰۰

پدیرش آگهی: ۸۳۳۳۱۰۰۰
چاپ: همشهری
تلفن: ۰۲۲-۸۰۷۰۰۰۰
توزیع و اشتراک: موسسه گسترش امروز نوین
تلفن توزیع: ۰۲۲-۶۱۹۳۳۰۰۰
تلفن اشتراک: ۰۲۲-۶۱۹۳۳۱۱۴

- ایرانشهر:**
- دیروز رهزرا عباسی
 - تندیس: ...
 - مدیر عیسی محمدی
 - دیروز مریم سرخروش
- سرخ:**
- مدیر جواد عزیز
 - دیروز سعید فروزی
- دانشگاه:**
- مدیر ساسان شادمان
 - دیروز زهرا حاجی
- سرمین من:**
- مدیر محمد باریکاتی
- جامعه:**
- دیروز هبه طباطبایی
 - گزارش: ...
 - مدیر فاطمه عسگری نیا
 - ۳۴ (سینما و تلویزیون):
 - مدیر سعید فروزی
 - دیروز علیرضا محمودی
- صفحه آخر:**
- دیروز جواد نصرتی
- طرح و گرافیک:**
- دیروز محمد علی طلیعی

حکیمه حکیم آباد تهران



سیدروح طباطبایی پور
شرق نشینم، برای سکونت
در محله‌ای آرام و خوش آب و هوا و در دسترس،
پیشینه‌های عجیبی داد: محله «حکیمه» که تا ششدهم
تصویر محله‌ای فرسوده با شرایط حاشیه‌نشینی
در دهم نقش بست، اما نیم ساعت بعد از تغییر من
همان بدو ورود چپ و راست را که نگاه می‌کردی
دانشگاه‌های ریز و درشتی در حاشیه خیابان اصلی
شهر نشسته بودند و به دانشجویان فراوانی که در
محله می‌چرخیدند علم و حکمت می‌آموختند
و حضورشان، فرهنگ محله را دوچندان
می‌کرد. این شما و این هم نیم‌نگاهی به محله حکیمه.

تاریخش

تهرانی‌ها برای سفر به دماوند مجبور بودند در مسیر خاور،
در روستایی به نام «چاهک» اترک کنند، روستایی کوچک
و کم‌جمعیت که حدود ۱۰ کیلومتر با تهران فاصله داشت و
در آن ساختوساز چندانی نشده بود، اما جاه‌های پرآبش،
مسافران، ساکنان طبیعت و باغ‌ها را اسیراب می‌کرد و لحظات
خوشی را برای گردشگران رقم می‌زد.
این قصبه به دوران قبل از سلطنت قاجار بازمی‌گردد، اما
در دوره قاجار، بعد از دست‌بده شدن این آبادی میان
دربارسان، بالاخره چاهک را جناب میرزا علی‌قلی خان
حکیم‌الملک، از رجال دربار قاجار و طبیب مخصوص
ناصرالدین‌شاه، خرید و در آبادانی آن کوشید و نامش را
حکیمه گذاشت.

حکیم‌الممالک کی بود؟

او سال‌ها طبیب دربار قاجار بود و در بسیاری از سفرها
ناصرالدین‌شاه را همراهی می‌کرد، به خصوص در سفرهای
خارج شاه از نزدیکان او بود. علی‌قلی خان در مدرسه
دارالفنون پزشکی خواند و تحصیلاتش را در فرانسه ادامه
داد و از سوی شاه و در دوره همه‌گیری وبا، یکی از ۳ مسئول
سلامت تهرانی‌ها شد و بعد از قدم‌های مثبتی که در این
زمینه برداشت و در سفر شاه به خراسان در حدود سال ۱۲۴۶
شمسی لقب حکیم‌الممالک را گرفت.

او علاوه بر پزشکی مناصب فراوانی برعهده داشت و حتی در
خولت‌شاه برایش روزنامه‌های خارجی را ترجمه می‌کرد.
وقتی آبادی چاهک را از وره میرزا محمد لولسانی وزیر
خرید، آنجا را نسبت به گذشته آباد کرد، اما نه آن قدر که برای
تهرانی‌ها دلبری کند و ساکن چاهک شوند.

اکنونش

در دوره پهلوی ساختوساز چندانی در حکیمه نشد، اما
پس از انقلاب خیابان‌بندی‌های اصولی و امکانات شهری
و البته آب و هوای مطبوع به حکیمه رونق داد. ساخت
دانشگاه‌هایی مثل دانشگاه صنعتی آب و برق، هوا فضا،
آزاد، پیام نور و دیگر دانشگاه‌ها و حضور دانشجویان، سطح
فرهنگی محله را هم ارتقا داد.
این محله پس از گسترش تهران به یکی از محله‌های شمال
شرق تهران در منطقه ۴ شهرداری تبدیل شد و از شمال به
بزرگراه بابایی، از جنوب به بزرگراه زین‌الدین، از شرق به بلوار
خلعتبری و از غرب به خیابان شهید صدوقی محدود می‌شود.



دیروز و امروز نگین تجریش

امامزاده صالح (ع) در شمال شهر، سده‌ها مأمن تهرانی‌های دل‌خسته بوده است

فاطمه عباسی
میدان تجریش اگر چه از قدیم محل گردش و تفریح و خرید بوده،
خیلی‌ها فقط برای زیارت حرم امامزاده صالح (ع) و سبک کردن دلشان
راهی این نقطه از شهر می‌شوند. امامزاده صالح (ع) تهران چیزی بیشتر



چنار قطور و قدیمی در محوطه امامزاده صالح (ع)

از یک مکان دیدنی در پایتخت است؛ بسیاری از تهرانی‌ها عادت دارند
که نذرهای خود را در این مکان مقدس ادا کنند و به نوعی عبادتگاه
امن‌شان است.

آن را کاشی‌کاری کرد. بعد از آن در سال ۱۲۶۸ گنبد به کلی
تخریب و بازسازی شد. گنبد جدید بزرگ‌تر بود. در دهه ۸۰
نیز گلدسته‌های امامزاده در کنار گنبد قرار گرفت و داخل
رواق‌ها نیز آینه‌کاری شد.

چنار کهنسال عجیب

محوطه امامزاده صالح پیش از تغییر فضای خیابانی
تجریش محوطه‌ای کاملاً محصور شده همچون دیگر
زیارتگاه‌های ایران بود که چنار قطوری در میان حیاط
آن جلوه خاصی داشت. راه ورودی زیارتگاه از بازار بود.
پس از تغییر شکل میدان تجریش و ایجاد فضاهای جدید،
زیارتگاه از حصار دیوارها دور آمد و درخت چنار آن نیز
قطع شد. دیالوفا، باستان‌شناس معروف در سفرنامه‌اش
در ایران به سال ۱۸۸۱ میلادی درباره این درخت چنار
امامزاده صالح می‌نویسد: «در مسجد (بقعه امامزاده
صالح) تجریش چنار عجیب و غریبی هست که کمتر نظیر
آن در دنیا پیدا می‌شود. قطر فوق‌العاده آن را نمی‌توان
دقیقاً با رقم معین کرد. تقریباً محیط آن به ۱۵ متر می‌رسد.
هریک از شاخه‌های آن مانند تنه درخت کهنسالی بالای
بنای مسجد و سایر اطراف سر به آسمان کشیده است. این
درخت عده کثیری را در سایه خود پناه می‌دهد. مؤمنان



حرم امامزاده صالح (ع) یکی است و احتمالی می‌رود در دوره ایلخانی (سال ۷۰۰ ه.ق) ساخته شده باشد

زیر آن نماز می‌خوانند. مکتب‌داران را در آنجا جمع
می‌کند و درس می‌دهد. قهوه‌چی‌ها هم در آنجا و لوازم
خود را درون آن قرار داده است. سقا هم گوزه‌های پرآب
خود را در گوشه‌های آن تنه گذاشته است.»

سال‌ها پس از این دیدار دیوالفوا از تهران، منطقه تجریش
و سربل آن به محل تفرجگاه تهرانیان فراری از گرما و
زاتران امامزاده صالح (ع) تبدیل شد. این محل که سال‌ها
محل سکناي اشراف قاجاری و بیلاقی سفار تخانه‌های
خارجی در تهران بود، از دوره پهلوی اول رو به گسترش
رفت و جاده قدیم آن (شرعیاتی) آباد و سنگفرش شد.

تاریخچه نذر نمک به دورانی برمی‌گردد که در منطقه
تجریش برف زیادی می‌بارید و روی هم انباشته می‌شد
و به دلیل یخبندان زمین، مردم برای عبور از مسیرها
مشکل داشتند. در آن زمان، زائران یا خود نمک به
امامزاده می‌آوردند تا با پاشیدن نمک‌ها، برف‌ها را آب
و مسیر را برای عابران هموار کنند. این عمل تدریجاً به
یک آیین تبدیل و به‌عنوان یک رسم نذری در امامزاده
شناخته شد و هنوز هم بسیاری از مردم برای بر آوردن
حاجاتشان، نمک نذر امامزاده می‌کنند.

می‌آمد و جنس می‌خرید، بلافاصله کرسی را به داخل
مغازه می‌آوردند. وقتی مشتری‌های بعدی به آنها
مراجعه می‌کردند، کاسب‌ها نگاهی به بیرون از دکان
خود می‌انداختند تا ببینند کرسی کدام مغازه بیرون
مانده است و به این ترتیب می‌فهمیدند همکارشان
هنوز دشت نکرده و با اینکه جنس در مغازه داشتند،
مشتری‌ها را به روش و بهانه‌های مختلف به مغازه او
می‌فرستادند. این عکس‌سال ۱۳۰۸ از یک دکان
میوه‌فروشی در شهری گرفته شده؛ همان زمان که
مغازه‌دارها چنین خصلتی داشتند و سحر خیزی،
خواندن قسرن و حدیث در اول صبح، وضو گرفتن
هنگام باز کردن کرکره حجره، مدرا با مشتری، دوری
از ربا و نزول، کسب سود حلال، ارائه جنس مرغوب و
خالص به مشتری، اهمیت دادن به نماز اول وقت و
گلریزان برای حل مشکلات مردم و کسبه، رفتارهای
ویژه آنها بود.

داشت، جایی ثبت نشده بود، ولی همگی آن را رعایت
می‌کردند؛ چرا که معتقد بودند دکاندار با زن و بچه
مردم سر کار دارد و باید چشم و دل پاک باشد. در کنار
این موضوع، مغازه‌دارها و بازاربان قدیم، صبح‌ها که
دکان خود را باز می‌کردند، کرسی کوچکی بیرون
از مغازه می‌گذاشتند و نخستین مشتری که به دکان

تهرانگرام

دیوار ۵۰۰ ساله پایتخت



یکی از کهن‌ترین یادگاری‌های تهران قدیم

را باید در دل بازار نوی تهران و در سرای
ماشاءالله‌خان کنونی جست‌وجو کرد؛ دیواری
کاهگلی متعلق به دوران شاه‌تیماسب صفوی
و به طول چند متر که از حدود ۵۹۰۰ پیش
به یادگار مانده است. پس از ساخت این
دیوار محافظ بود که هسته اولیه تهران
امروز به تدریج شکل گرفت. شاه‌تیماسب
در سال ۹۲۳ شمسی این حصار را
با ۴ دروازه به نام‌های دروازه دولاب،
دروازه شمیران، دروازه قزوین و دروازه
شاه‌عبدالعظیم برای محافظت از تهران
بنا کرد. این همان دیواری است که اکنون
بخش کوچکی از آن در دل بازار باقی مانده و
به حصار صفوی معروف است.



تهران‌نامه



قهوه‌خانه پاتوق اصناف تهرانی

قهوه‌خانه‌ها در هویت تاریخی تهران ریشه دارند؛ اما در دوره
صفویه تعدادشان افزایش یافت تا اینکه در دوران قاجار
هر قهوه‌خانه به صنف و پیشه خاصی اختصاص داشت و
بنوعی این مکان به انجمن هر صنف تبدیل شده بود. در
زمان آقامحمدخان پایتخت ایران از اصفهان به تهران تغییر
کرد و این جابه‌جایی باعث شد قهوه‌خانه‌ها در تهران رونق
بگیرند و تعداد آنها زیاد شود. پس از وارد شدن چای به ایران
کم‌کم ذائقه مردم تغییر کرد و دم‌کرده چای در میان آنها
رواج یافت. سپس از آن، در نیمه دوم قرن سیزدهم، چای
جای قهوه را در قهوه‌خانه‌ها گرفت؛ اما نام قهوه‌خانه به همان
صورت باقی ماند. با به حکومت رسیدن ناصرالدین‌شاه در
همه نقاط مختلف شهر قهوه‌خانه‌ها راندازی شد و کم‌کم
قهوه‌خانه‌ها به‌عنوان یک واحد صنعتی فعال خود را
بین مردم باز کردند. قهوه‌خانه‌ها در تهران قدیم علاوه بر
مکانی برای نوشیدن چای یا قهوه، خوردن ناهار و کشیدن
قلیان یا چپق، محلی برای اجتماعات سیاسی، اجتماعی و
فرهنگی نیز بودند؛ به همین خاطر در اواخر دوره قاجار به
اغلب اصناف در قهوه‌خانه‌های پاتوق می‌کردند و هر کدام از
قهوه‌خانه‌ها مخصوص یک صنف بود. این پاتوق‌ها برای
اعضای هر صنف حکم رسانه‌های امروزی را داشت. در این
پاتوق‌ها اخبار جامعه همان صنف، نرخ دستمزد و اطلاعات
فنی برای تازه‌کاران و احیاناً تغییراتی که قرار بود رخ بدهد
طرح و بررسی می‌شد.



اگر چه با سود
بودن برای
دکاندار در
تهران قدیم
امتیاز ویژه‌ای
محبوب می‌شد
تابوتانند حساب
و کتاب‌کنند
حساب‌دفتری‌ها را
بنویسند، اما
ویژگی‌هایی
همچون
چشم‌پاکی و
اهل حرام و
حلال بودن
مهم‌تر از آن
بود